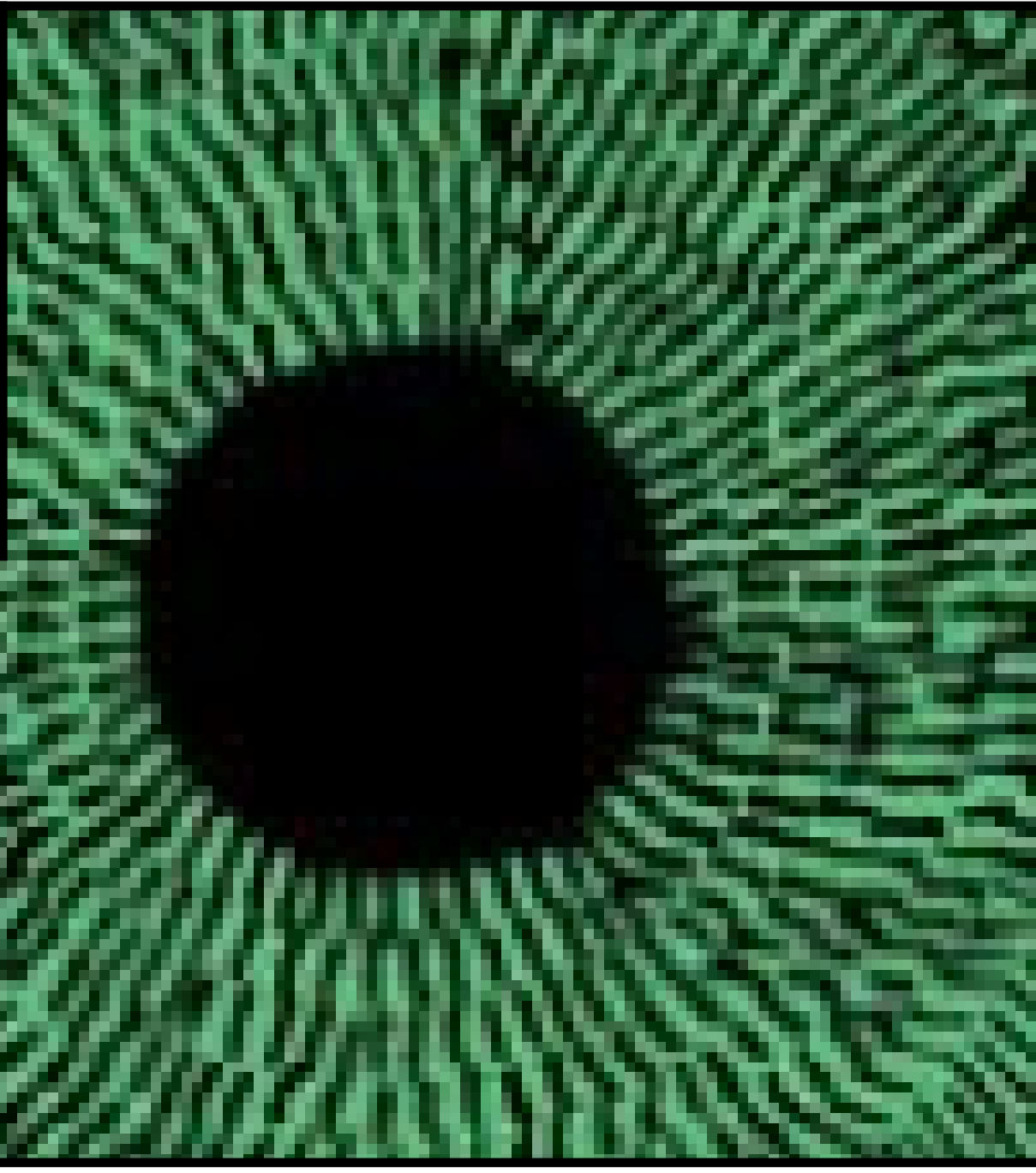


.....
عکاسی دیجیتال و زندگی روزمره جای سر خویان عکسهای صحنه آرای شده خدمت و خیانت عکاسی
.....

هستمردک

فصلنامه علمی ، هنری و تخصصی نقد عکس / سال اول / شماره ۲ / بهار ۹۰



فهرست

درباره عکاسی

۱ عکاسی دیجیتال و زندگی روزمره

تجربه های دانشجویی

۵ بهترین بخش یاد ما بیرون ماست

به بهانه همایشگاه ها

۱۱ غریبانه

۱۲ شاید من عنکبوت باشم

۱۵ جای سر خوبان

۱۷ تو منو به گریه می اندازی

۲۲ شهر سیاه

۲۵ تجربه هایی کوچک اما با اهمیت

عکاسی معاصر ایران

۲۷ سینماگران عکاس

۳۳ عکس های صحنه آرایشی شده/تأثیرات و تأثیرپذیری ها، با نگاهی به عکاسی ایران

عکاسی معاصر جهان

۴۰ تند باد ناگهانی، جف وال

قاپ آخر

۴۴ خدمت و خیانت عکاسی

۴۴ خبر

نگاهی به مجموعه‌ی «جای سر خوبان» اثر محمد غزالی

صیاد نبوی- سارا زندوکیلی

« آئی پس از آن که توانستیم ببینیم، درمی‌یابیم که خود نیز دیده می‌شویم... اگر بپذیریم که می‌توانیم تپه‌ای را در آن سو ببینیم، پذیرفته‌ایم که ما نیز از آن تپه دیده می‌شویم. ماهیت دوسویه‌ی دیدن، بنیادی‌تر از گفت و شنود است. »

جان برجر

عکس‌های مجموعه‌ی «جای سر خوبان» در برخورد نخست، ادامه‌ی نوعی از نگاه عکاسانه به مناظر شهری است که غزالی آن را پیش از این در مجموعه‌هایی چون «روبان قرمز» و «یادداشت برداری» تجربه کرده بود؛ نگاهی که معمولاً حاصل پرسه‌زنی‌های عکاس در شهر است و پیامد آن عکس‌هایی سردستی (snapshot) از خیابان‌ها و مناظر شهری. اما این‌بار تفاوت در این‌جاست که عکس‌ها، کارکردی در جهت شناخت و یا ثبت خاطره از شهر (تهران) ندارند؛ بلکه شهر در این عکس‌ها، واجد معنایی کنایی و نمادین است. غزالی در این مجموعه، تندیس‌هایی از رجال سیاسی، مذهبی، علمی و فرهنگی کشورمان را به عنوان مجرای دیدن انتخاب کرده و به مخاطبانش این فرصت را داده است، از جایگاه و منظر چهره‌های تأثیرگذار دیروزی و مجسمه‌های منفعل امروزی، به تماشای مناظر شهری بنشینند؛ از دیدگاه ابژه‌هایی که برای «دیده شدن» خلق شده‌اند، نه «دیدن». با این ایده، وی نوعی ظرافت هنری به‌کار بسته که در ادبیات موسوم به «شخصیت‌بخشی به اشیاء» (personification) است.

ناظر عصر حاضر، با قرار گرفتن در موقعیت این «دیگری» (the other)، خواه‌ناخواه حس مقایسه‌ای از وضعیت زندگی معاصر با مفاهیم تداعی شده‌ای از گذشته پیدا می‌کند. این ایده، در تعدادی از

خواجه شمس الدین محمد بن بهاء‌الدین حافظ شیرازی، شاعر سده‌ی ۸ هـ، ش



به نوبه‌ی خود لحن طعنه‌وار هنرمند را پررنگ‌تر می‌کند. اما در نهایت، این «عنوان»ها هستند که با غالب بودن بی‌چون و چرا بر عکس‌ها، تا حد زیادی بار معنایی مجموعه را به دوش می‌کشند و عکس‌ها در بیشتر موارد، حتی با ترفندهایی چون سردستی نشان دادن هرچه بیشتر و سعی بر «هیچ چیز نبودن» و یا «ختثایی مطلق»، نتوانسته‌اند در جهت انتقال ایده‌ی اصلی - تصویر پیش چشم خوبان از زیستن امروز ما- جایگاه و قدرتی هم‌پای متن همراه‌شان پیدا کنند.



رضا عباسی، نقاش سده‌ی ۱۱ هـ، ش

حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی، شاعر سده‌ی ۴ هـ، ش



ارائه‌ی متفاوت‌گرایی از هم‌نشینی عنوان و عکس در ۱۰ اثر رنگی که هرکدام در ابعاد ۱۱۲×۱۳۴/۴ سانتی‌متر بر یک دیوار گالری جای گرفته، اهمیتی معنادار به «عنوان» بخشیده است. عنوان‌ها، بیوگرافی کوتاهی از صاحبان تندیس‌هایی است که نه حضور فیزیکی آن‌ها، بلکه منظر پیش‌اروی‌شان در برابر چشم‌های بیننده قرار دارد. معمولاً در این نوع از آرایش (lay out) عنوان و عکس، دو عنصر کلی متن و تصویر، به یکدیگر ارجاع مستقیم دارند؛ اما در این مورد، عنوان بیننده را به یافتن ردپایی از شخصیت نام‌برده

در تصویر هدایت نمی‌کند. بنابراین، تناظری که از عنوان و تصویر آن انتظار می‌رود، به تناقض و دوگانگی دو معنا تبدیل می‌شود. حاصل آن، فرا رفتن از ارجاع و نزدیک شدن به کنایه است.

نگاه کنایی غزالی را علاوه بر این شیوه‌ی ارائه، در چاپ عکس‌ها نیز می‌توان دنبال کرد. ظهور فیلم اسلاید به صورت نکاتیو، موجب تغییر و قدری نامتعارف شدن رنگ عکس‌ها و سردستی‌تر شدن آن‌ها شده است؛ در حالی که چاپ به شیوه‌ی مدرن و پرهزینه‌ی «Diasec» صورت گرفته است که پیشینه‌ی استفاده از آن را در کار عکاسانی چون آندریاس گرسکی می‌توان دید. به‌این ترتیب، تلاش برای سردستی‌تر نشان دادن عکس‌ها و هم‌زمان ارائه‌ی آن‌ها با یک تکنیک پرهزینه، دوگانگی و تقابلی را که در محتوا

وجود دارد، تشدید می‌کند.

شرح مجموعه (statement) در ابتدای نمایشگاه شاید این انتظار را در مخاطب ایجاد کند که منظره‌ی شهر را بتواند از پس نگاه منحصر به فرد و تجربه‌ی زیسته‌ای بنگرد که از صاحبان تندیس‌ها سراغ دارد. اما با مروری بر عکس‌ها پی می‌برد که میان آن‌ها، تفاوتی بنیادی در شیوه‌ی دیدن و آنچه دیده می‌شود، وجود ندارد؛ چه در موقعیت شاعر سده‌ی هشتم هجری قرار گیرد و چه در جایگاه فیزیک‌دان یا سیاست‌مدار سده‌ی حاضر. این نکته نیز

تصاویر که بیننده می‌تواند نتیجه‌ی معناداری از مقایسه‌ی خود بگیرد، موفق عمل کرده است. به‌عنوان مثال در تصویر «نواب صفوی» بی‌نظمی و آشفتگی منظره‌ی شهر که با عکاسی سردستی و ترکیب‌بندی نامنجم، همان‌گونه که هست، تصویر شده است، گویی ارزش‌هایی را زیر سؤال می‌برد که منسوب به این «شخصیت مجسم» است؛ در تصویر «سعدی شیرازی» نیز عبور بی‌اعتنای رهگذران و دور شدن پراکنده‌ی آن‌ها از دیدرس ما / تندیس، تأثیری مشابه دارد.



ابو محمد مصلح بن عبدالله مشهور به سعدی شیرازی، شاعر و نویسنده سده‌ی ۷ هـ، ش

سید مجتبی میر لوی معروف به نواب صفوی، طلبه سده‌ی ۱۴ هـ، ش



